

162

تایپستر

MahdiTz

مترجم

Erfan

کلینر

Arghavan

ما را دنبال کنید در...

Website:

GERDU80.click

Telegram:

GERDU80

Instagram:

GERDU80_OFFICIAL

DR.STONE



چپتر ۱۷ = تا اعماق زمین رنگارنگ.





این تکنیکات
جون میدہ برا
زمین کندن.

همونطور کہ
از هیوگا
انتظار داشتم.

یا شایدم
بتونی!
چه فسن!!

منو مجبور
کردین به سبک
کانریو
بی حرمتی
کنم...



درسته.

اما قطعاً
به زودی به سنگ
بستر می خوریم، که
یعنی باید...

... از شمشیری
که توسط علم
ساخته شده
استفاده کنیم.

از مته!



بی حرمتی؟
هاه! دقیقاً
برعکس.

خیلی
سبک
زیباییه.

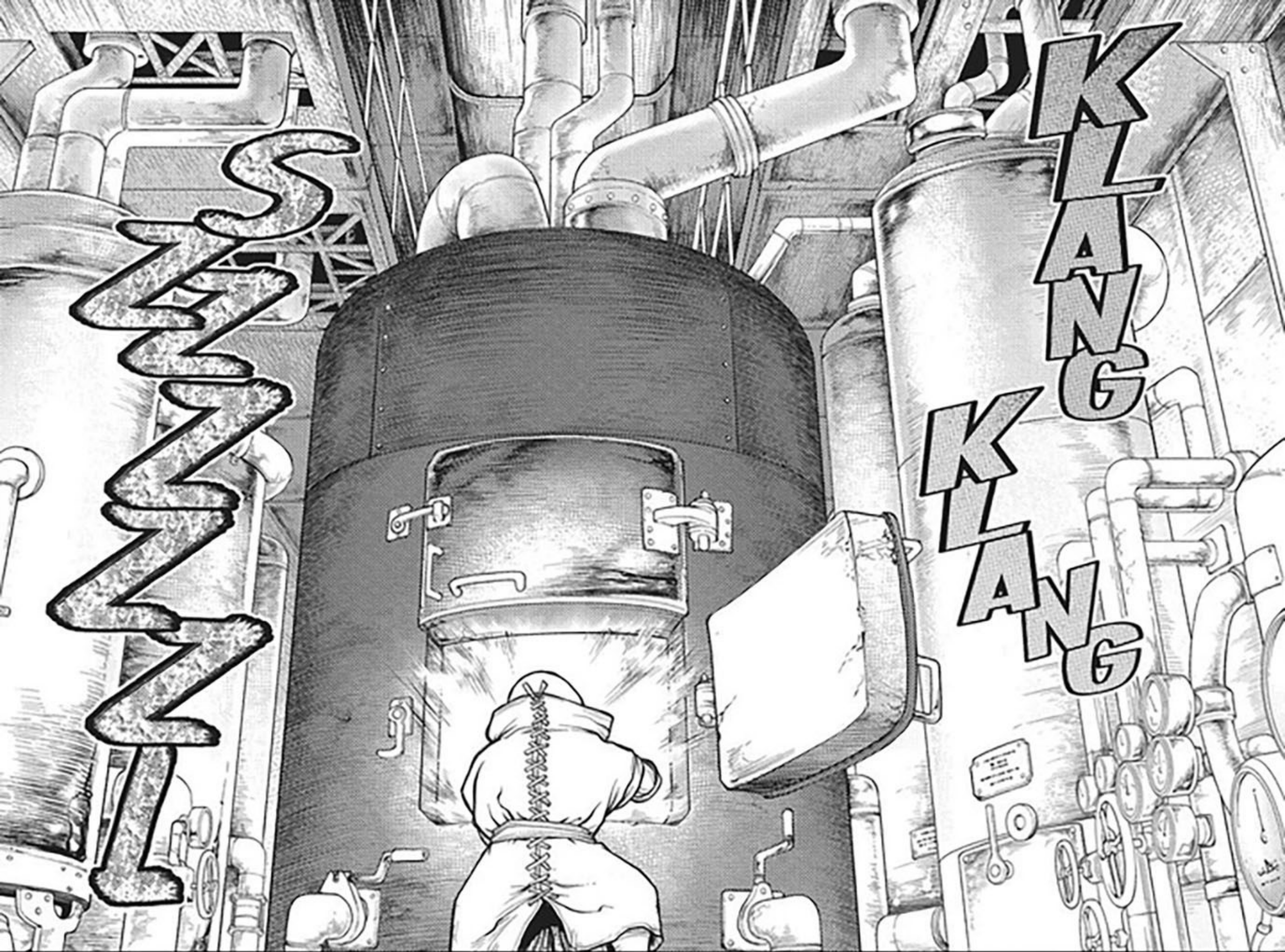
جلو میره و
زمین رو
سوراخ میکنه.

به این میگو
پیشرفت با
سخت کوشی.



آره.
با کاسکی
درموردش
صحبت کردم...

... ساختنش
رو شروع
کرده!



همه
جمع بشید،
بیاید و نظاره
کنید...

...شمشیر
مارپیچ
من رو!!



برای سوراخ کردن دل و روده دشمنانمون ساخته شده؟ به به.

برای خالی کردن شکم مناسبه...

یکی این دو تا روانیو ورداره ببره!

هممم. منم نمی دونم کجا می خوان استفادش کنن...

چتونه؟ این برای حفاری ساخته شده!

... ولی باید بگم دیگه دارن زیاده روی میکنن.



ما باید این و آزمایشگاه متحرک رو...

... نزدیک کروم ببریم!

حفر تونل یه عملیات بزرگه!

هر کسی که اینا رو می رسونه...

... باید تا آخرش بره و بهشون کمک بر سونه.

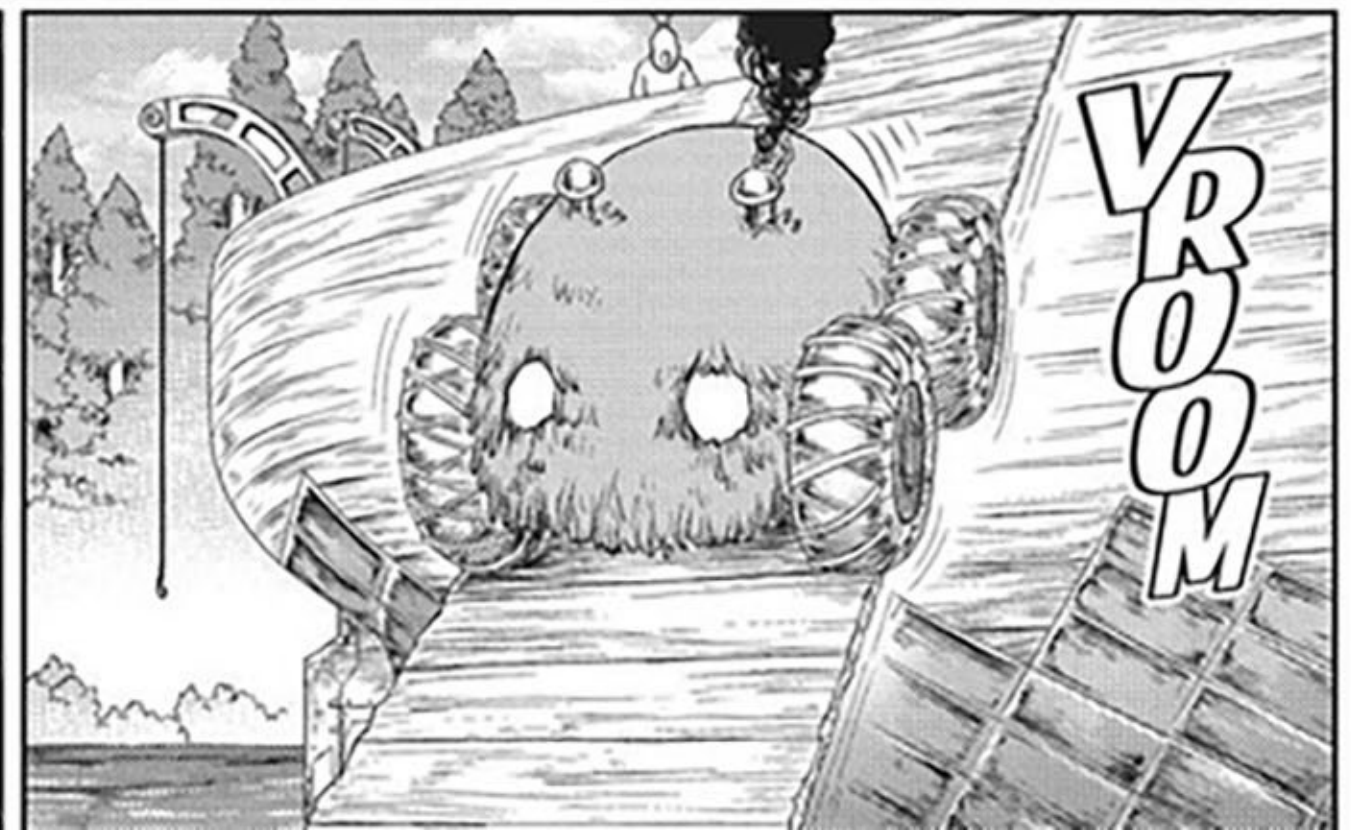
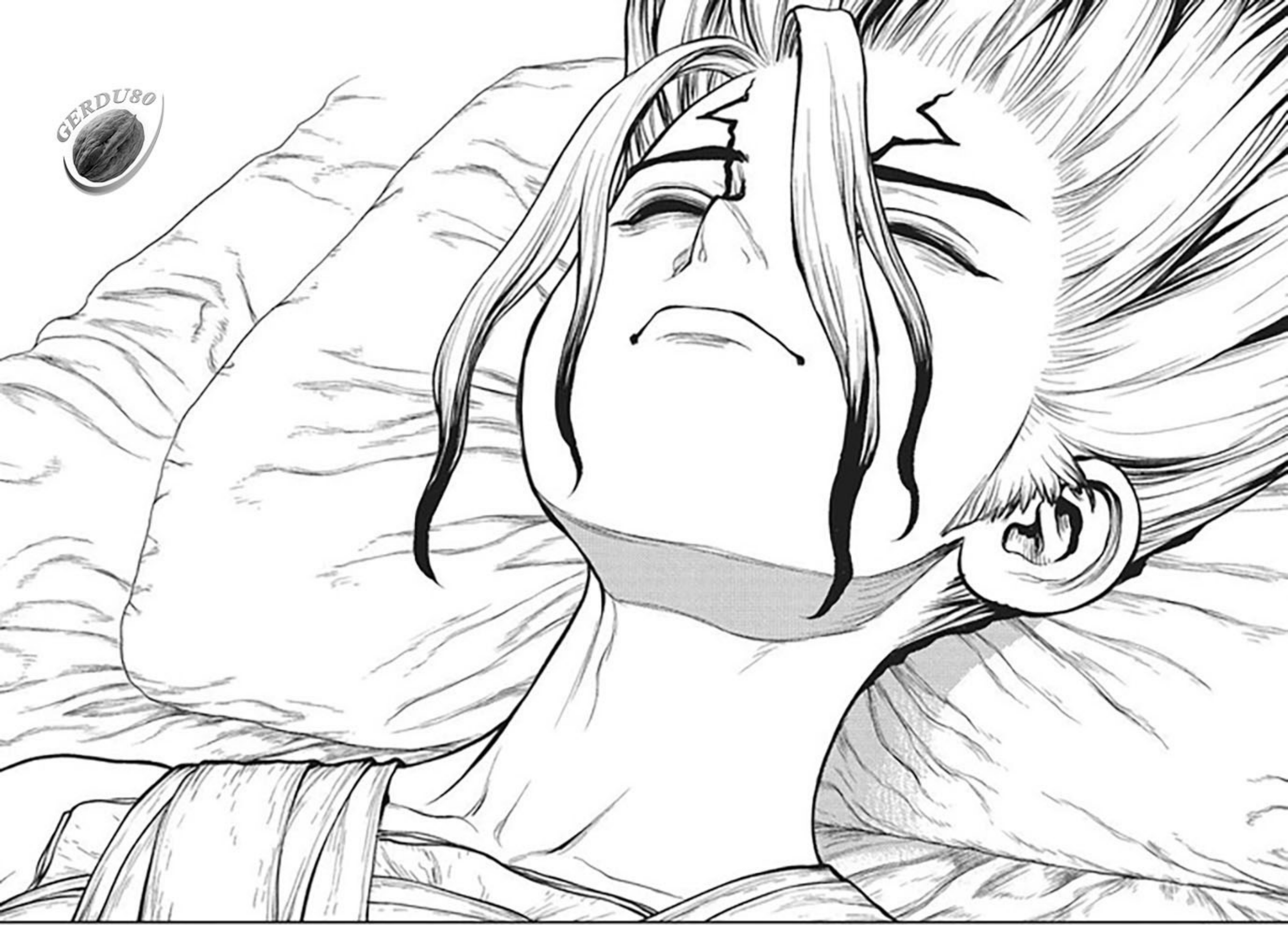
ولی اگه با یه گروه بزرگ بریم دشمن متوجه میشه.



ها ها! در اون صورت...

... فقط کافیه یک نفر که اندازه صد مرد قویه رو بفرستیم!







چطور ییییین؟!



اومر
پیش ما
؟!

اسمم
تایجو هستش.
از ملاقاتتون
خوشبختم!



به شماها
گفتن بیاین و
ما رو بباین
درسته؟!

درست مثل
تیم کوها...

اوپس.
فکر کنم
بیشتر از اونی
که باید
حرف زدم.



<LET'S GO!>

بزنین بریم!

پس چرا
با من نمیاید
یه دور بزنیم؟



اگه شماها
دیده بان
هستین...

...احتمالا این
ماشین رو
دنبال میکنین.
اره؟



ما که
ژاپنے بلد
نیستیم...

...ولے
یہ جوریے،
مے تونم
بفہم داره
چے میگه.

آره، بخاطر
اون صدا و
حرکات گنده
وزمخته...



مگه
دشمن
نیستیم؟!

ناموسا
چرا؟!

وا ها ها!
منم نمی دونم.
با عقل جور
در میاد!!



VROON...





اونا
بهش بد
نمی کنن.

هنوز مطمئن
نیستم داره
چی میگه...

...

ولی
می توئم
پگم...

... اون آدم
با معرفتیه.



طبق حرفای
ریوسویی
اون احتمالاً
یه جاسوسه...

... ولی این
منو اذیت
نمی کنه.

اون موافقت
کرد مراقب
سنکو باشه...

...وهمین
برای من
کافیه.



آی وای
!!

صبر کن
بینم...

... تایجو
گواهینامه
رانندگی
داره؟

همین تازگیا
پشت فرمون
نشسته چقدر بد
می تونه باشه؟



قول
میدم!



وايسا وايسا
وايسا وايسا



بيخشيد، هنوز
قلق رانندگي
دستم نيومده.

تو نگران مني؟
ممنونم ولي من
سر سختم مي تونم
تحميل كنم!!

از كجا
رانندگي
يلا گرفتي؟!



تو مي توني!
ولي من
نه نه!!



از كمكت
ممنونم
!!

اوه.
ممنون،
پسر!

اسمت
كارلوس بود
مگه نه؟ چطور
انقدر راحت رانندگي
مي كني؟

... ماشین دشمنو
پراش می روئم؟

آخه چپرا
دارم...



و با اینکه
از توی بوته‌ها
با سرعت کم
می‌رونه...

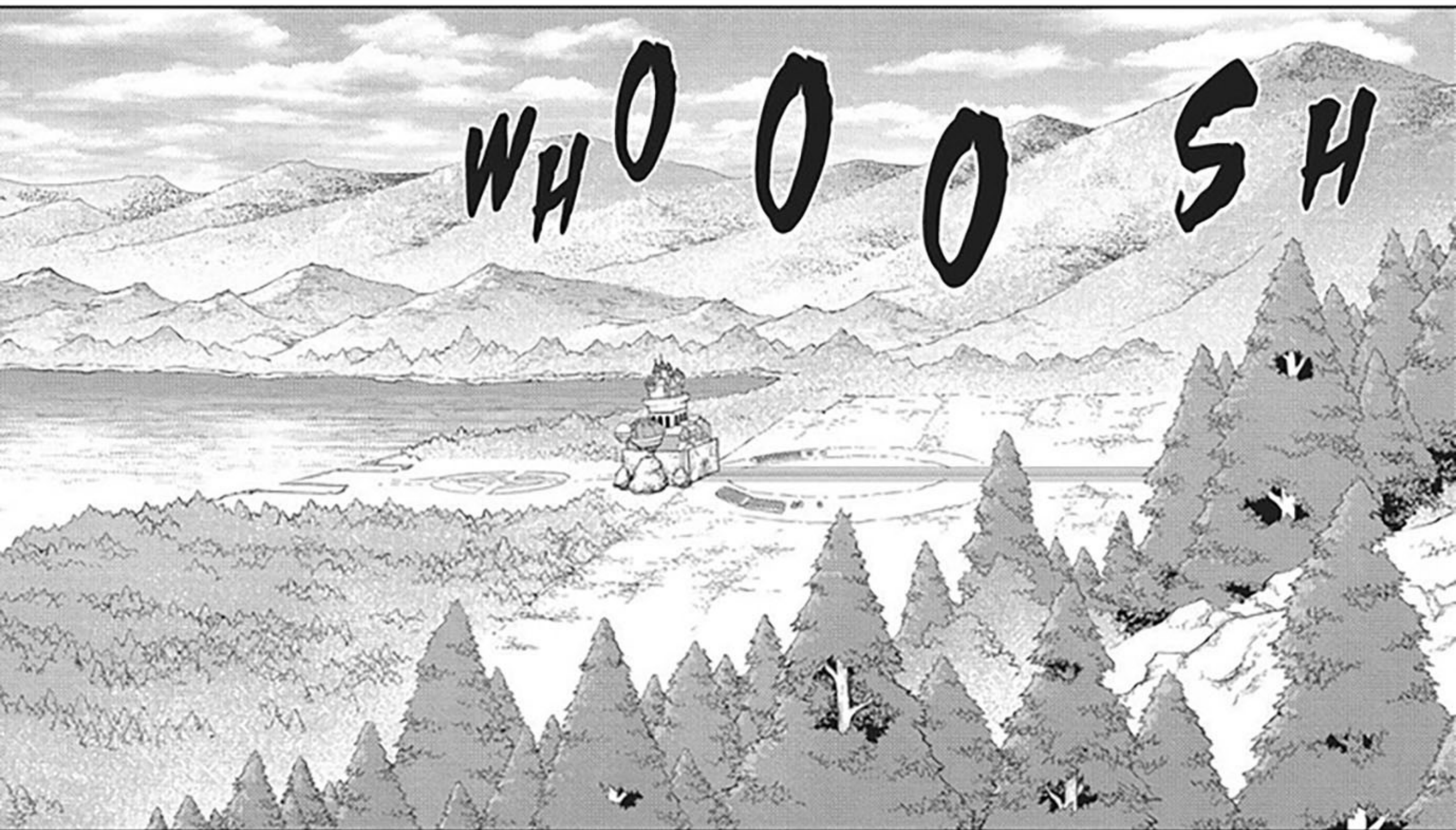
تایجو، یوکیو رو
قبل از مقصد،
توی محل ملاقات
می‌بینه.

تو فکر می‌کنی
دیده‌بانای دشمن
ماشین رو تعقیب
می‌کنن؟

... یوکیو با
گوشاش می‌تونه
پیداشون کنه!



WHOOOSH



... سوارش
کردی
و آوردیش
اینجا...

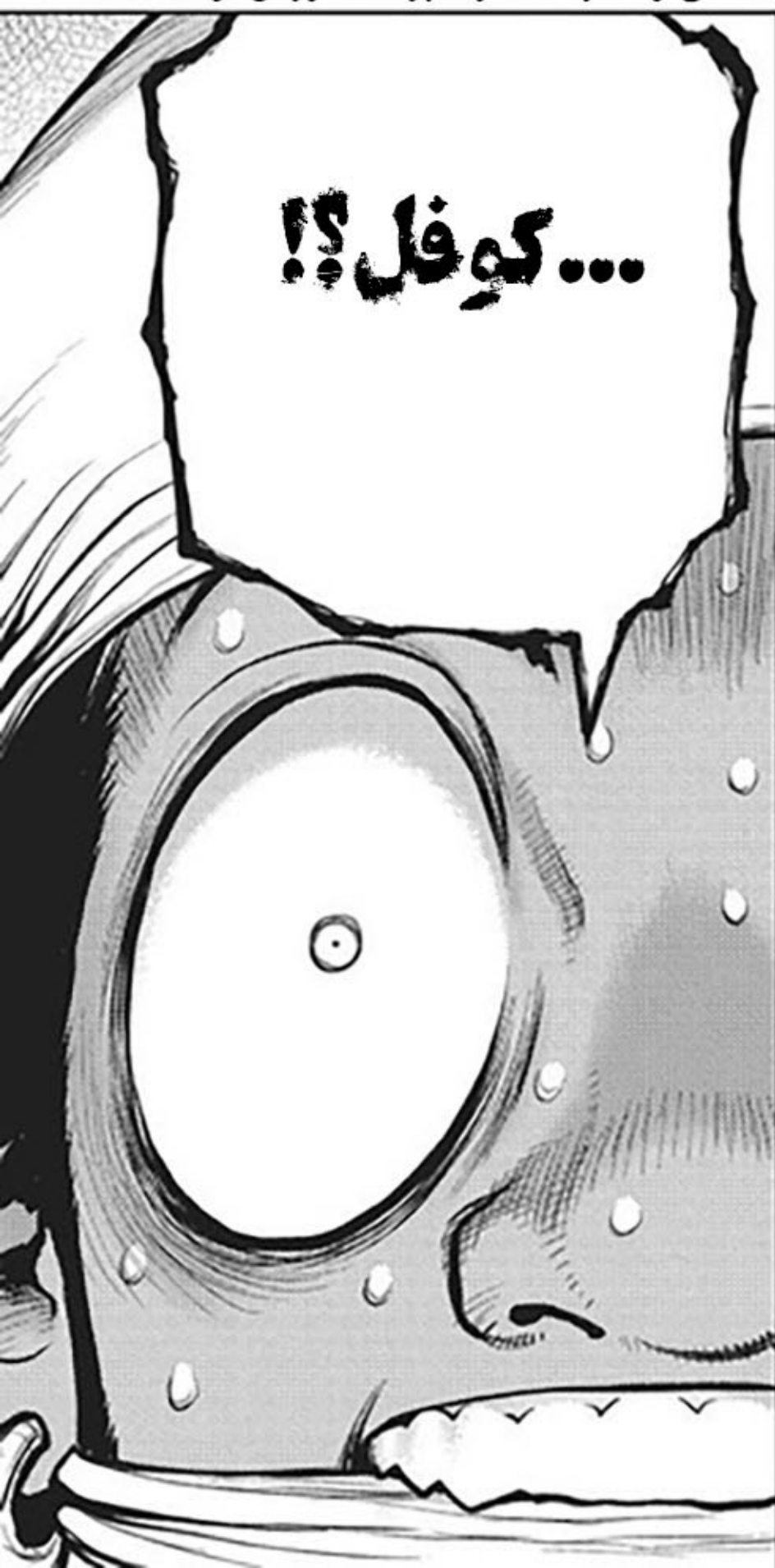
حتی قبل اینکه
بتونم از گوشام
استفاده کنم...



می تونی
توضیح بدی
تایجو؟



* نمی تونه درست حرف بزنه منظورش توله.



... کوفل؟!!



... کوفل؟!!



چرا
کارلوس رو
بستین؟!!

اون خیل
باحال بود و
منو رسوند
اینجا!



به محض اینکه
ما بازش کنیم
میره و نقشمون
رو به زنو میگه.

و بوم.
تمام تلاشی که
برای کردن
تونل مون کردیم
به باد میره.

آخ
آره

راست
میگی ها!



اون فقط
یه مشت
پچون.

یکم از
خاتم لوئا
چوون تر.

یعنی
دپیرستانی
؟!



اوهههه!
شمشیر
مارپیچ!

پهباد.
یه موتور.

با این
کوه گنج
متماً می‌تونم
کار رو تموم
کنم!!

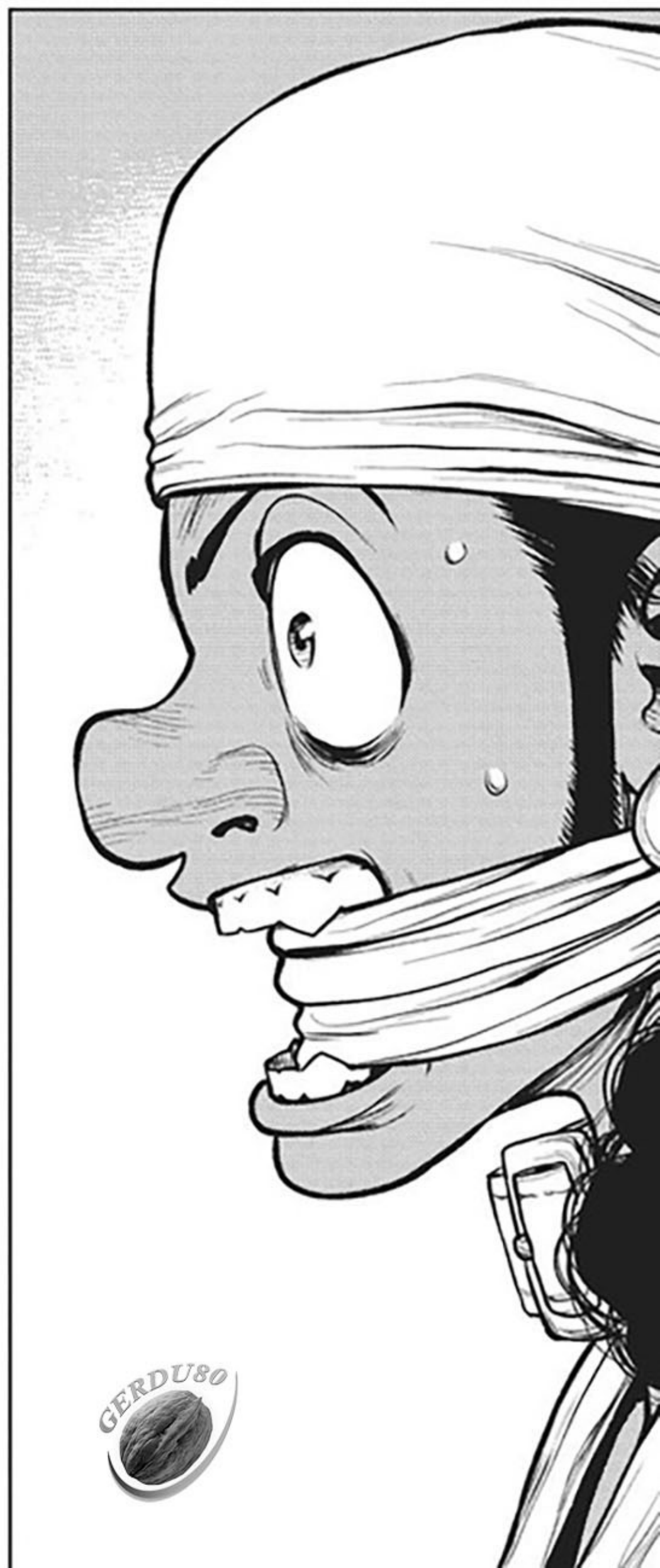


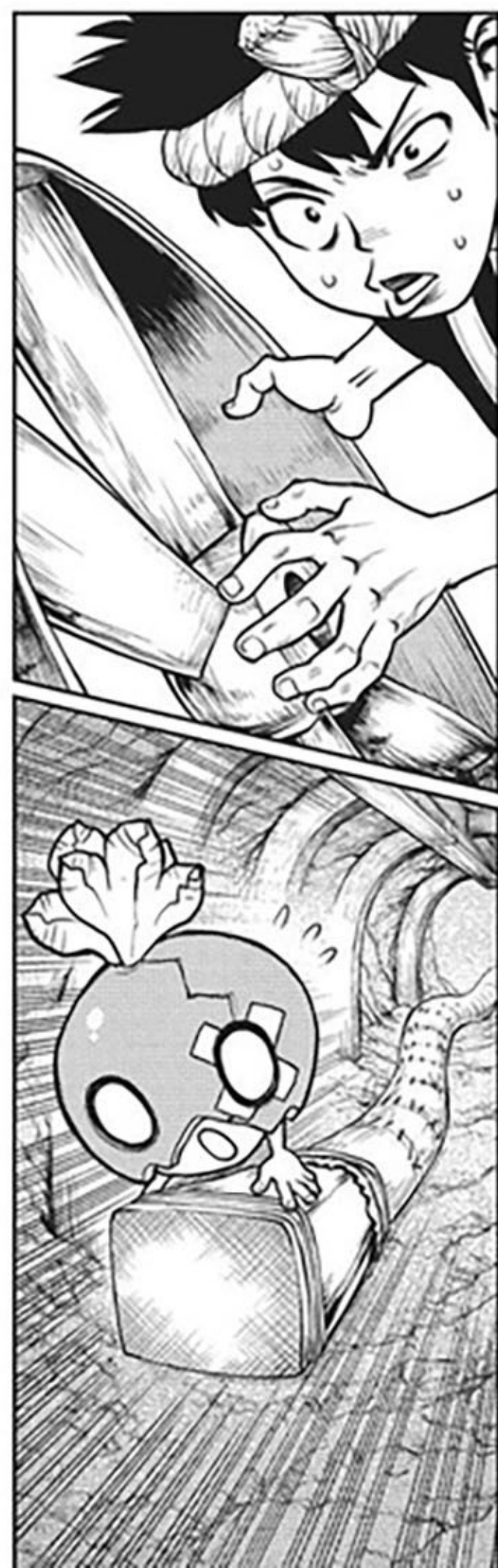
چرا پهبادو
خراب میکنی،
کروم؟

اگه توی
تونل هوا
نباشه...

... هممون
وسط کار به‌خاطر
نبود اکسیژن
می‌میریم!

چون به
پره‌هاش
نیاز دارم تا
باد درست
کنم.









نه،
این غیر
ممکنه.

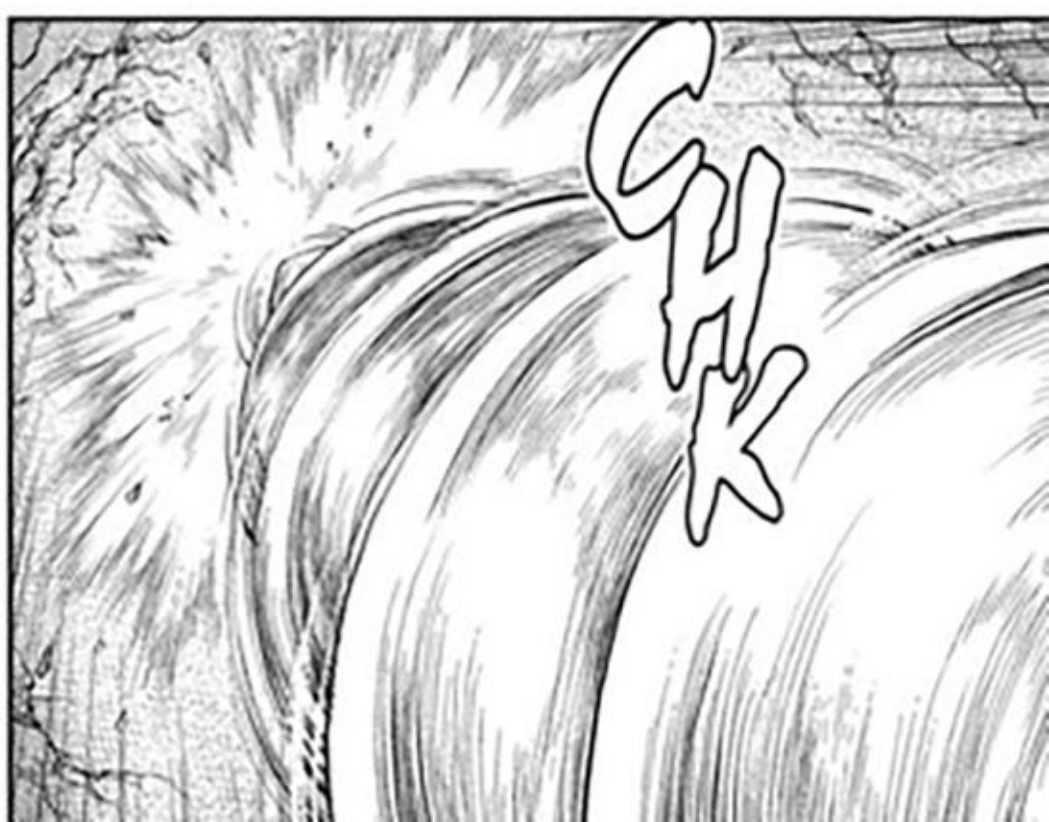
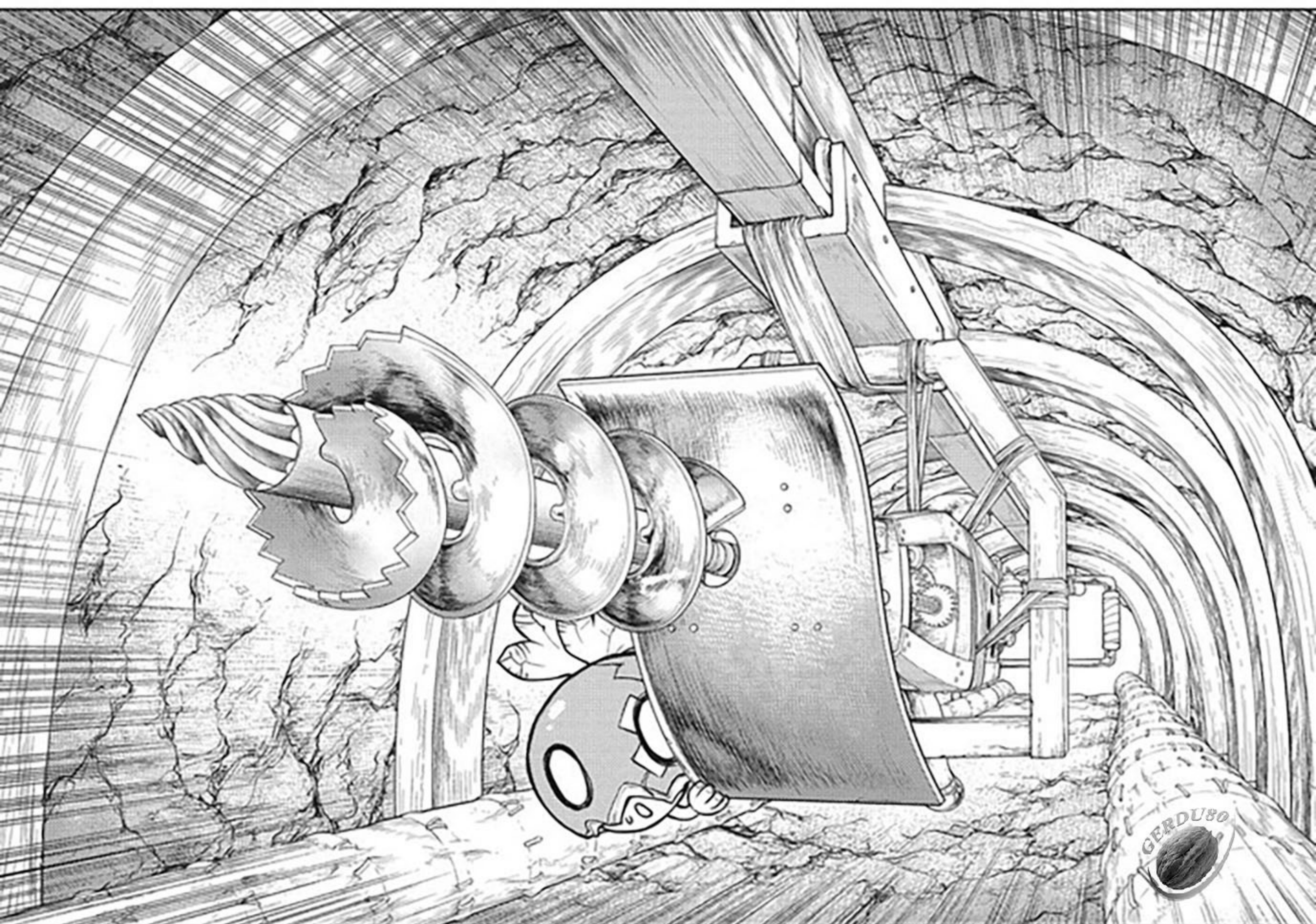
تسلیم
سین.

سماها
هیچوقت
نمی‌تونین.



آره،
این دیوار
خیله
محکمه!

قدرت آدما
به تنهایی
برای این
کافی نیست.





داریم
تمامد مسیر
تا هدف رو
می کنیم!
این زمین
رنگارنگ
رو....

... هر بار
یده قدم
!!



هاااا
!!

نه... نه...

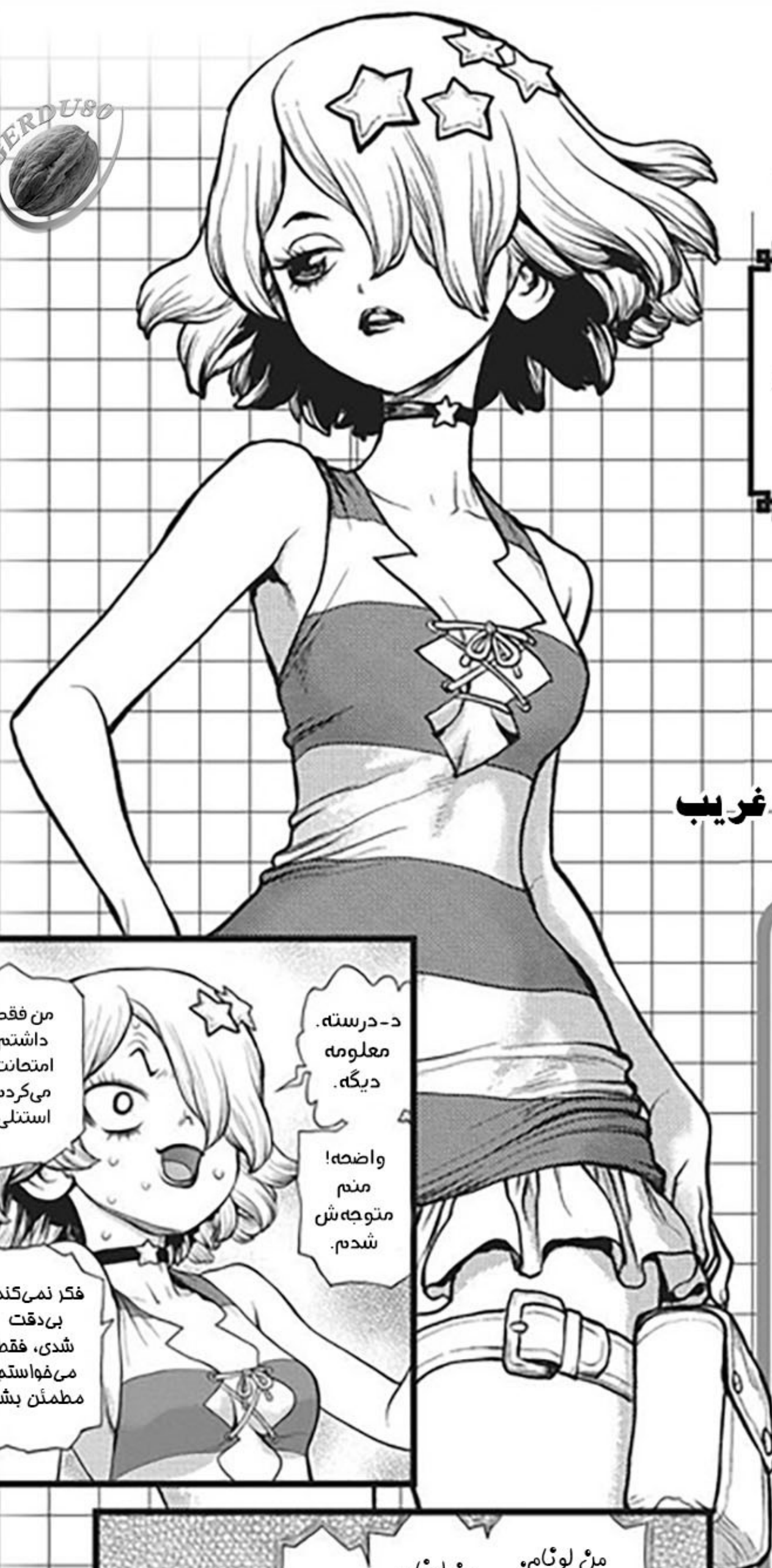
ولی...

داریم
می شکستیمش
!!

اونا
واقعاً...

مته
بدست اومد!

لونا



هوش مدرسه ★★

مهارت‌های پزشکی ★★★★★

میل به خیال‌بافی ★★★★★★

اسم کامل: لونا رایت

قد: ۱۶۵cm

حرفه: همه کارهای عجیب غریب

یک پرنسس آمریکایی که از هیچ کس هیچی نمی‌خواد.

ولی، اون به جز یه دختر توانا بودن و توانایی محافظت از خودش و یه دوست پسر توانا و خفن، هیچی نمی‌خواد!

با قدرت مالی پدر ثروتمندش، لونا چند کلاس رو جهشی خوند و به مدرسه پزشکی بره. با وجود تلاش‌های بسیارش، اما اون نتونست ترم‌های بعدی رو پاس کنه...

بعد از اون، لونا توی یه کافه مشغول به کار شد. (هنوز منتظر اون لحظه رمانتیک توی فیلم‌ها بود تا یه دوست پسر پیدا کنه.) که دقیقاً جاییه که اون و دوتا همراهش تبدیل به سنگ شدن.

